



## یادداشت دولت آمریکا

باده اهت فوق المذکور در پایان  
خاطر نشان می‌باشد که دولتها برزک  
در این سان فرا این بسکو او دولتهای  
کوچک در خواست کردند که بدوری  
امنیت اعتماد کل داشند. دولت  
آمریکا معتقد است که دولتهای انگلیسی  
و شوروی هم بالازار آمریکا میل  
داشند هنگامیکه مسئله‌ای ظیف‌مند  
ایران پیش می‌آید باطرز رفتار خود  
ثابت کنند که اعتماد ملل پیشوای  
امنیت بهم و بورد بوده است

البته دولت امریکا متوجه این  
نکته نیز هست که فرمادهان اعتماد  
جهانی شوروی در آذربایجان بدون  
تمثیبات و دستور صلح دولت متوجه  
خود قادر به هیچ اقدامی لستند و در  
جزئی صورت از دولت اعتماد جهانی  
شوروی درخواست مشروط به او بست  
با زاینده‌گان خود دستور بهمند که  
لیتوهای دولت ایران را در اجرای  
عملیات خود کنند که از ازادی‌گیران  
نحوه خوده از این در این داده است و دولت  
امریکا اعلام خدنه از پیش و مشت

فرهنگیان رخواند

کارمندان و کارمندان فرهنگی فوت نا-بهمکام آفای  
باگان دید و روزش دیرستان البرز را بصوم فرنگیت و زه  
کارمندان و داشت آ، وزان دیرستان البرز تسلیت میکردند.  
فردا ساعت ۳ صور در دیرستان البرز جلسه یاد بود  
برقرار است.

۷۰

روزنامه رهبری کفر موزع دو چرخه سوار با واد انتیاج دارد  
دارالطبیعت با اداره رجوع نمایند

عدم بازی از مردم باز و او بینه  
دو شکال راه خواران و ملا کن جریک  
راچ میرانه و پست ترن زندگی هارا  
داوند. تطبیق اقتصادی که بر انتخابات  
نهایت خواهی گر کیه، گویندی  
در تهارت اقتصادی تر کیه را تشکیل می  
افلام مهم اقتصادی تر کیه را زوایت غلات  
دهد پوشیده است. برای زوایت غلات  
پشت موقعت تر کیه وادی اوروجهای  
نیز سیاستی بر دوش کشور واد  
باورده.  
اک دفتر شیر گزاری و بوئن اخیرا  
(در ۱۹۶۴ میانبر) اظهار عقیده  
کرد که اگر حکمران تر کیه تواند  
بر اشکالات اقتصادی فاقان آید مسلم  
تفیرات سیاسی داخلی که مسکن است  
پشت موقعت تر کیه وادی اوروجهای

که آنها بدان اتفاق باشند تشویق  
زیادی هد نهادند.  
صانعی آنها ورد لزوم آنها  
را تولید میکرند و توسعه بازند. دون  
اینکه هیچ فکری برای قیمت تولید  
آن بشود. تبعه این کار [عوارض  
هده است از پیدا شی فاصله] همین و  
معنوی بین قیمت ها در ترکیه و در  
بازار دیگر.  
در هنگام چنین واردات ترکیه  
بیشتر از آلمان و کشور های افغانی  
آلمان میباشد. حالا که ترکیه از این  
کشور ها چیزی در روابط اقتصادی بازی  
خوبید در کشور های دیگر متعارض به  
ارز خارجی است که در انتشار امداد  
بهم خود نهاد. رکود ساخت  
و درهم شکستن تجارت خارجی متعارض به  
قطر و پریشان بیشتر از همیشه میباشد  
لهده است. واضح است مشارک نگاه  
داری اولتی متوجه از این ملیونی باز

قریب در جنگ جهانی دوم

عهود چهارمین دوره باره مقاصد سهولت  
برزک منطقه بر طرف خود و پیروزهای  
خواهد ساخت که دولت‌های بزرگ منطقه  
ممکن است که تمدن این چهارمین دوره را  
کل کند.

دولات آمریکا که در این پادشاهی داشت  
از کوولاند تا ایام کنند که امپراتوری  
واکه در آینه پوتدمیر برای دولت  
ایران قائل هدایه و فرار بر آن گذاشتند  
که پیروهای اشغالکاران را تا دوم مارس ۱۹۴۴ از ایران خارج کنند بهان  
دوست اعتماد نمایند.

ناداده اشت فوق الد کر در پیاوه اشت  
شاطر نشان می‌زد که دولتهای بزرگ  
در اینچن سان فرانسیسکو از دولتهای  
کوچک در خواست کردند که بدورای  
امپیت اعتماد کنند و داشته باشند دولات  
آمریکا معتقد است که دولتهای انگلیسی  
و شوروی هم بالادای آمریکا می‌باشد  
دادهند هنگامیکه مسئله‌ای از تظییر صنعتی  
ایران پیش می‌آید بطریق رفاقت خود  
نایاب کنند که اعتماد ملی پیشواری  
انجنت پیش و پرورد و پرده است

فرهنگیان بخوانند  
[آنها] مملوین و کارمندان فرهنگ فوت نا-مهمکام آفای  
باشند دید و روش درستان البرز را بصوم فرهنگیت و زه  
کارمندان و داشت آ-وزان در استان البرز تسلیت میکویند.  
قردا ساعت ۳ صدر در دیرستان البرز جلسه را داد بود  
برقرار است.

دو چنگل را با خواران و ملا کردن بروک  
راچ میبرند و پست ترن چند کم هارا  
باورند. تطبق اقتصادی را که بر اینجا نهاد  
منابع چنگی آلمان عکسی برای میان  
در تجارت خارجی را که بسی از  
افلام میم اقتصاد را که اشکنیل  
دید بدینه شده است. برای زوایت غلات  
که آنها بدان انتقام افتاده تشویق  
زیادی ده.  
صنایعی که اهیاء ورد لزوم آنها  
را تواید میکرند تو سوسی ازدهد دون  
اینکه هیچ فکری برای قیمت تولید  
آن شود. توجه این کار از ایجاد  
هذه است از پیدائش فاعله نظام و  
معنوی بین قیمت ها در ترکیه و در  
پازار دیگر.  
در هنگام چنگ واردات ترکیه  
بیشتر از آلمان و گشوار های افغانی  
آلمان میادد. حالا که ترکیه او این

کشور ها چیزی در رفاقت نیستند برای خوبید در کشور های دیگر محتاج به ارز خارجی است که در اختیار ندارد بهم خودن بنلات، رکود نساخت، برخلاف اصلاح اساسی کفوار و همراه روایت اقتصادی و سیاسی کفوار رکه و درهم شکستن هنرها را تراویح می بینند فقر و پرسشان را فقر تووه در مردم می دهند. واضح است مهاران نگاه اوی اوی می توانند از یک میلیون باز

حقایقی، چند

باقه از مصنه ۱  
دواهور اجتماعی جزو نوبنده‌گان این مجهه هستند. اگاب «بعض اینکه این  
مجهله درمسکو مشترک شود»، بعضی «طایل»، «هم آنرا خیلی کردن جراحت  
تلکارگیری در دلب ایش بینکنند و منتظر اینتوالد که اصل مجهله بنشود هی  
آنها بر سده، نسوزو بفرمایید که در دو شاهراه این مجهه» بیکنفر و بینه مو روزی  
که خودبرای مطالعه در اوضاع ایران و سوسن تا سر کشور را مسافت کرد،  
مقابل ای انتشارداده و من تصور می‌کنم که بیانات اینها می‌توانند در  
پیکه چون موقوف که بعنی و اقامه برای حفظ منانع خودهان هم ۵۵ است،  
بنظر اصلاح و روابط سیاسی مابین ایران و شوروی اتفاق افتاده، مندرجات  
این دو مقاله مخصوصاً مقامه اخیر را مورد مطالعه قراردهند قراردهند.  
«استدaran ایران، اشخاص مانند تقریزاده و علاوه و ساعد و صدر  
میکرینده که ایران به کشور دموکراسی است

و ادبو اندوت از قول روزنامه تایپر مکویید که، خیر، «ایران  
بیوی از «مکروه ای ایران است» و لیست سرگردانه، امورنده «صر  
چدیده» چوای دلخان هنک تنی میدهد. سرگردانی بایکی از خانه‌ای  
قفتانی در راه مابین اصفهان به شیراز در نزدیکی ۵ بید  
آشنا شده، که چهار هزار خانوار ریت دارد و ان دهستان در  
سیاه چاهار های ازه و زندگی میگذرد. رنگ یاف ده طربه مملک داری  
در ایران صفت میکند. مدقان ایران از فقط همچو شدم مخصوصاً واکه دواران  
مرق پیشانی و با قوت بازیزی بود بدست می‌آوردند، صاحب است. بقیه وا  
او بباب طبق تفاون این کشور از او میکنند. هشتاد درصد تمام  
نهاده نهاده اداره معمایه هم مالک است. ای ای مالک!

رمهن های ریاضی ایران همچنان به مالکین بزرگ است اما آن را ماده همچوئی نمی تندستند . سه کس سر شکر پیروز که مختاران فارس بوده و امروز ، دو هاست به مرکه یاف میگردید که مختاران در نتیجه اتفاقات می گذارند . میتواند اینها را میگذراند که با خود بیان یابد یعنی باز و اهرمنی کنند . اینها میتوانند باز و شکر آنها تبررس و بطور کلی از کله مایه جزندگی محروم هستند .

چندی قبل پلک هده از مختاران قربه ایوان حاجی احتمام مالکه ده را کفتند و در اطراف آن در تهران سرو صد ایوان راه افتاده . یکی دو ماه پیش اذآن روز نامه های آزادیخواه از اعشاش و ناشی از جنوب صحبت کردند ، اغتصب وزیر وقت ، بیان در مجلس کوت که : این شایعات ای اساس است . مرکه یاف خبردار یکری میدهد و چنین یگوید :

« سرانشک پیروز ، استنادار فارس ما و اعلام ساخت که چنان مسافر در امان بیست و عده ای سریاز مساح میگذرد و سراسر بیکه ، ۳۰ فرماندهی یکه افسر مارا شایعه کردند . سریازان در گز اتو بوس ارش اینها میباشدند . بعلاوه رحیب دستور سرکشی قیریوز یکلیه بیست هی بیانها و قراولان ره تکلف کردند که در حفاظت ما کوشنا باشند » از زید خواست بید اغلب واهرانان در کین مسافرین شسته اند . هنی در روز روشن هم اتوموبیل های نیوپوند بطور مغایر در واحدا در خی کت باشند و باید قالله وار خی کت کنند . چند روز پس از عبور سرکشی بیرون در راه شیراز بشور یکه هوفر و یک هاگرد هوفر کنند هد . ولی این وضع قطعی فارس

حکم‌فرما نیست . در خوزستان ایل بیهین نماین ایست . سرگوری به چنین  
نتیجه می‌کند .  
« امنیت در جنوب پهلوچون » آنطور یکه باید راهه داشت ،  
اما من گوییم بااظهار این مسئله کثیر فیروز که ملت این نامنی هافقط  
نفر اقتصادی است ، واقعی است .  
سرگیری این طور اظهار هنرمه می‌کند : « هکی نیست در اینکه  
او اوضاع ناکوار بسیار نیز مرموط به کامش شخصیت و قدرت من کری  
دو این مناطق است . »  
قدم به قدم پیش میروم . آن وضع دموکراسی و این هم امانت .  
حالا ما می‌بینیم که چرا در این مناطق دولت نمودر و دست ندازد . این  
قدرت درست کیست ؟ سرگیری فوج را میدهد : قدرت در دست خانه‌ای  
محلی است . کاهی دولت برای قدرت این خانه‌ها رسیدن قائل می‌شود و آنها  
وا به حکومت این شاط منصب می‌کنند . بنلا خرسروخان فرماندار فوروز  
آباد ، مرکز عده ایلات قشقائی است و مرتضی قلی خان ایل یا چنین : مت  
وا در پیشتر اذفان کرد ایست .  
پیغادی نیست که ایل چنگ بدستور سرپیشه و مرتضی قلی خان  
حاضر می‌شود . ایل چنگ بجنایتی و بر ضد « اداره » آذربایجان  
نهیز کنند . اما ایل چنگ و مرتضی قلی خان آیه ایستند . خواه یاری ای  
ایزد ت ، سازمان ادوله صفویان ایل هست اینها بکارهای دار اوست ۱۶۴۶ ز رسید و میر و بکار  
در اول نویembre ۱۶۴۶ در آبکنیه و بکارهای دچار معلقات مکردن و در اینین  
آپکنیه بور احمدی ها و کازرونی و چند تن از تابعندگان مجاس ، بلادوت آبادی  
و با سیپبور معلوم احوال می‌ورده اند .  
این سرگردانی خوبی دانست . چیز های غرب و میتوین میداند ، حالا

کسی توجه نمیکندگ، هر آمیزه‌گ با مرتفع قلی خان بقول بدله کوپان بدول  
شوری اعلام نمک داده است.  
سرگ، یف مینویسد: « در این اجمن‌ها قشایگی بمنظور مبارزه با  
نهضت‌های آزادی خواهی مطرح شده است ». « اتحاد شاهزاد شکیلات آزادی خواهات  
توسط مرتजیین مسلح شده است که خنده شکیلات آزادی خواهات  
بکار آورده ».  
خوب، اینها اسلحه خود را از کجا آورده‌اند، سرگ یف اینرا هم  
می‌داند:  
« ایلات جنوب ایران دارای ۵۰ هزار تنقله هستند » این را از راشکر  
ارفع ریس ستاد ارتش ایران شنیده است، درصورتی که از تباش ایران فقط از  
۹۰ هزار تن شکیل هده است. اینرا سرگ یف از خود راشکر از ارقام شنیده  
وی خودش پیش می‌نماید و می‌گوید: « ایلات قشقائی و بهبهانی و عرب و ولایات دیگر  
دارای مقدار زیادی نمک و دهنده ملک دارند ». اینها را می‌شنیدند.  
قصتی از این اسلام‌نگاری احالی ارش ایران در مشابهی شهر بوی  
بدمت ایلات افذاخ و قسمتی از « ساخت اشوری‌ها خانه » می‌نماید از اخراج  
فارس قایقی مای باری که « از کوبیت و جزان حربین و مدن میانهان و  
قاچان کردند ». این کدام خارجه است که « این اسلام » را می‌سازد و  
پایران می‌شوند. سرگ یف فقط اشاره می‌کند، و فتنی از اقام شیرازی سمعت  
نمی‌کند، و می‌گوید: « همه کس در ایران مهداد است ». قوام شیرازی از مدتها  
پیش باشد اینکه پاک کشور خارجی از ایجاد داشته است ».  
آن است نظر معاقول متفاق شوری و دیواره ای و دموکراسی و  
همیت و قدرت مرکزی و قوای مسلح از تجهیز. مقاله‌ای بیک جمله سرگ یف  
پایان می‌سامد.  
می‌گوییم: « مثلاً یکم، که تمام این امر اتفاق نمی‌افتد ». می‌گوییم: «



# دَامْ عَنْكِبُوتٍ!

بهر دفع خستگی دودی همان تیر چنگ  
کرد دور از آشیان دردامن گویی درنه  
دیدگان برهم نهاد سوده ناگه هدبرون  
نیکبتوت لاغری صهاوار او از ذیر سنه  
در فلاش طمه هر جای نظر اندکند و یافته  
طرقبه صید فربی مامده ذیبا و قشنگ  
هد روان سوی عقاب آهسته تنین دیده دومیدان چنگ  
هیچو مرزاگان تمرین دیده دومیدان چنگ  
بس رهم خوبش هاللکیر کرده او را خواست  
بس رهم خوبش هاللکیر کرده او را خواست  
ما کنند پاکاره بر وی هرسه پیکار تنک ۱  
از اهل خود کمندی بافت پرچین و گره  
پست بر بال عقاب آنرا به مکروزیو و زنک  
بال ردا در عالم الدیشه چون شاهید کرد (۱)  
بعد از آن گرم تپهان گشت چالاک و زربه  
هر دو بایش را پیچیده مکرم با اماد  
نمای که گرد آمد از پریدن هاهز، از رفشار لانه  
الفرض هر حیله و نژو رکاند ره؛ داشت  
و پیخت بیرون تناکه بیدرسه را آرد پنهان  
نگاهان و اکرد چشم الاخواب خوش و خوشی هفتاب  
بالاها بیکشدو چنیش کرد از چاهوش و هنگاه  
روشته ها بکسته و برهمهوره اش نیکبتوت  
رویت چای شهد اندور کامار گردون هرینک

\* \* \*

هنگیرت ارتیاع امروز میکوشد که باز  
بر نهود بر کوکن آزاد مردادهات پالانه  
می تند دامی بیرای صید آزادی که هست  
و هنچه آن دام اذ سریه و توب و تندکه ۱  
با وجوده زما توالی دست و پایی میراند  
دست و پایی او است تیپ راشکرو گرهان و هنگاه  
می تند بر گرد گیتن تازه ای کوکن گون  
می کشد بر دودی دلیا تشه های رنگ و رنگ  
هافت دلیای خواب آلوه بر شایزد ز خواب  
بگسله این رهته های سمت را همچون عقاب

بے افسران جوان.  
آنها را بہ تبعید گاہ میپرند.

هیچ پکس به جز بره کامل و در افتاده برای خود مشغوب  
نمیشود. هر فرد انسانی شنی از هنر و جزئی از گل است.  
اگر ذرا های از خاک سرزمینی را در دنیا چند کند و باخود ببرد  
همه آن سرزمین از این چنانی دفع میبرد. مرک بر بشري  
از من میکاهد؛ زیرا که متهم جزوی از نوع انسانی هستم  
بنابرایت نیرس ناقوسها برای مرک که بعدا در آمدde الله،  
آنها آنکه مرک تو را مینوازد.

چهاردهمین بیان از ظهر، روز ملاقات  
السران زندانی بود. «هه آن زندانیانی  
که از چهار سریان کوسته و برخی  
میزدند» — در زندان خلیل سکم دیده  
از آن نوع زندانیان شدنی میشوند.  
این اتفاق از این مدت زندان آنها میشود.  
تایل اپنای اینهاست — بلکه آن زندانیان  
ظاهراً اینهاست این بوده است که  
بهمه واستند دزد و قذیکر، زندانی و  
زندانیان را برای همه از میان برداشتند.  
چه چنایی از این بالا از آنها بکار  
با کدام و هیوات فرینده، با کتاب  
ماهی مقصد و بهداشت انتقام گشته  
ر فیکار موگنده پادگرد بودند که از  
بن دستگاه سراسر دزدی و جنایت  
میباشد که نهاده استند اند  
نهن پاقدن الله» — سوکونه اشکنه  
میباشد غور زندان بروانه، گوئی  
در این دستگاه پنهان اصل برداشت و تنبیه  
با پیار وجوددارد: «اینهاست زندانیان  
بود یا زندانی ا

چهاردهمین بیان از این اسران داد  
از اینها شکنند میتوانند شاهدشون خود  
با پیار کرده و داده اند که سوکون  
سیار خوبی است اسران جوان دوسواره از  
آج امی و هر چهار آنان با توجه  
سیار خوبی است اسران جوان

نامه های فمین

این همراهی وضیعت است که در

میات دو قتاب آزادی و اوتیاج  
هر کس با هلت نیاند برس خد  
هلت است .  
آنها باید بقاطر داشته باشند که  
سر او شد همه افراد افسوس تجاهده  
بکرمان ممکن است سرو هشت احتیالی  
هله هلت ایران و منجهل اسرار اونش  
باشد پس یعنی «فقط» آن دروازه  
های تاریخی و رطوبت‌دان «قرص» ای  
حال که چنان است، حال که مدت  
ستادیه ایران بزرگ سر بیزد جم بسته،  
از بودی ترن حقوق خود یعنی آزادی  
اطلاق و پیام و مطبوعات و انتشارات  
معروف میگردد، برای احیاء این آزادی  
ها باید اقدام علی کرد .  
ارزو خطری سکه از جانب  
میثاواری فاشیستی ایران و تهدید  
میگذشت خیابان از خطر انتیالی میدشاید  
و از اراده ای و احکامت دجالس هدید  
تر است. اگر آنکه شرکت روایی در  
اعان حقوق از این شرایط ای دست  
طبقه حاکم، بناند باید گفت که امروز  
در این سریه بک در شرطیان و مقدمه

موده بودند ای انسان و هدایت  
نهنی موکنگدشتن ایدی بناست و هدایت  
نهنی موکنگد هدایتکاری بست به  
شنان موده نی آزادی، لی چهارد  
تر اینها را برای تبیید بکرمان  
بپردازد .  
ووجه آنها به دی «حکم بود  
که خوش بین ترین افراد را منعیت  
میکرده .  
چوش و خروش مستکا بهوشان  
اگهه هرچند کدام را تراسلهه بوده دو  
بنین حالی که از اول نامشروع که فرازای  
دو و آن مصائبی که در این مدت  
آنها وارد همه فرج میدادند،  
همه هنر وله حس میگردید که این اند  
هر نوع میمیتی دورو و شوان و اگر  
پامی که آنها می بینند دوغ  
هدایتکیز مناسعیت است و آنکه  
نهنی افسران شر از اندی هستند که هدایت  
شکور و خوده به مهمن خود ملاقاً دارند  
ماهر کوهه علی که وجہ تهرب  
ترش و اطمئن به استقلال واقعی که کور  
شده هدا مغایف و ماضی به مبارزه  
—

کتابخانی

که لازم است قرائت کنید:

زهه، گلورها مردم میخواهند اندمطاله  
آنقدر آن .  
انس جوان دیگری را که از  
خانه فرار نماید دعوه است . همانجا

ای از این تبعیف میکنند ایرانی اینکه  
در دنیا نیستند و پادزده ها همکاری  
لیکنند ». پس بیمار پاید و به ایرانستان مسافرت  
پیکن از اسرائیل زدنیان شاید از  
شئعترین آنها آنهاهه دخواج بوده  
الله فریاده دد : فردنه باد کاره دد  
مرده بیدار ۰ ۰ ۰ ۰ مرده باد که ۱ مجبوب  
سفاوارش و همه اورا میشناسند  
پس بیدر سرمه ۲۳۵۰ ساله بدر

نرا ازت یاک تب ۳۶ دجه موشخت در  
میون میان اختنق . اگر کنترکتی  
دشک اوش تهدیق کرده که ایت  
رسان پیمار پاید و به ایرانستان مسافرت  
نهنک اشاده بور ، ازبره میکنان هم نشت  
امریکه که دستور پرهکت قایل  
را نیست و باید او را رسپبار  
و .

و این است که در چن اوضاع  
اجوالی ، سکناء کوهان المران